

# Shiraz-Beethoven.ir

۷	پیشگفتار مترجم
۹	آشنایی
۲۵	پدیده موسیقی
۴۵	آهنگ‌سازی
۶۵	گونه‌شناسی موسیقی
۸۷	پیشگامان موسیقی روسیه
۱۱۳	اجرای موسیقی
۱۲۹	مؤخره

# Shiraz-Beethoven.ir

## ۱- آشنایی

برای من افتخار بزرگی است که کرسی استادی هنر و ادبیات چارلز الیوت نورتن امروز به من اختصاص داده شده و باکمال مسرت از هیئت اجرایی که لطف نموده مرا دعوت کرده‌اند تا برای دانشجویان دانشگاه هاروارد سخنرانی کنم سپاسگزارم.

نمی‌توانم پنهان کنم که بسیار خوشحالم از اینکه امروز برای اولین بار برای مخاطبانی صحبت می‌کنم که مایل‌اند قبل از نظر دادن در دسر گوش دادن و فراگرفتن را به خود هموار کنند.

تا این لحظه روی صحنه کنسرت و در تالارهای تئاتر مقابل تجمع‌هایی از افراد ظاهر شده‌ام که عموم مردم بوده‌اند. ولی هیچ‌وقت تا به امروز مخاطبانم دانشجویان نبوده‌اند. به‌عنوان دانشجو که بدون شک راغبید در مورد موضوعاتی که برایتان مطرح می‌شود اطلاعات دقیق کسب کنید تعجب نخواهید کرد اگر متذکر شوم موضوع خاصی که امروز مورد بحث قرار می‌دهیم موضوع مهمی است. مهم‌تر و جدی‌تر از آنچه معمولاً تصور می‌شود. امیدوارم تراکم و سنگینی موضوع شمارا وحشت‌زده نکند. قصد گیج کردن شمارا ندارم... اگر فقط واقعیت‌های مادی موسیقی در نظر گرفته شود، صحبت درباره‌ی آن دشوار خواهد شد؛ و اگر در رساله‌ای که با شتاب و بی‌دقت سرهم شده و به حکایات گیرا و حاشیه‌گویی‌های سرگرم‌کننده

نیز آمیخته باشد به موضوع موسیقی بپردازم، به آن خیانت کرده‌ام. فراموش نمی‌کنم که در کرسی بوطیقا<sup>۱</sup> قرار دارم؛ و بر هیچ‌کدام از شما پوشیده نیست که معنی دقیق بوطیقا بررسی و مطالعه‌ی کاری است که قرار است انجام شود. معنی فعل *poiein* که *poetics* از آن اشتقاق یافته چیزی نیست به‌جز انجام دادن یا ساختن. بوطیقای فلاسفه‌ی یونان متشکل از رساله‌هایی تغزلی درباره‌ی قریحه‌ی طبیعی و ذات زیبایی نبود. برای آنان واژه‌ی فن هم دربرگیرنده‌ی هنرهای زیبا بود هم هنرهای عملی و به دانش و مطالعه‌ی قوانین قطعی و گریزناپذیر صنعت اطلاق می‌شد. به همین دلیل است که بوطیقای ارسطو پیوسته نظراتی در رابطه با کار فردی، چیدمان مطالب و ساختار را عرضه می‌کند. بوطیقای موسیقی دقیقاً همان چیزی است که می‌خواهم درباره‌ی آن با شما صحبت کنم؛ می‌توان گفت، درباره‌ی ساختن در حوزه‌ی موسیقی صحبت خواهم کرد. به همین بسنده می‌کنم که بگویم از موسیقی به‌عنوان دستاویزی برای تخیل‌های خوشایند استفاده نخواهیم کرد. به‌شخصه، از مسئولیتی که بر عهده‌ام است آگاهی کامل دارم، بنابراین وظیفه‌ام را نیز جدی خواهم گرفت.

پس اگر من امتیاز سخنرانی در برابر شما را بسیار غنیمت می‌شمارم، شما که اینجایی تا بیاموزید و هر آنچه قادرم به شما عرضه کنم را دریافت کنید، شما هم، در مقابل، امیدوارم از این امتیاز که در حقیقت شاهد یک سری اعترافات موسیقایی هستید بهره ببرید.

نگران نشوید. این اعترافات از نوع اعترافات<sup>۲</sup> ژان ژاک روسو نخواهد بود، و حتی کمتر از آن، از نوع اعترافات روانکاو هم نیست که در یک ظاهر علمی نما، تنها موجب بی‌ارج کردن غم‌انگیز ارزش‌های واقعی انسان و استعدادهای خلاق و ذهنی او می‌شود.

1- poetics

۲- اعترافات: کتابی از ژان ژاک روسو فیلسوف و نویسنده متولد ژنو ۱۷۷۸-۱۷۱۲.

# Shiraz-Beethoven.ir

## ۲- پدیده‌ی موسیقی

یک مثال بسیار پیش‌یافتاده: تجربه‌ی لذت‌بخش شنیدن نجوای نسیم لابه‌لای درختان، زمزمه‌ی جویباران و آواز پرندگان. همه‌ی این‌ها سبب شغف ما می‌شوند و ما را سرگرم و دل‌شاد می‌کنند. حتی ممکن است بگوییم: «چه موسیقی زیبایی!» طبیعتاً آنچه می‌گوییم تنها جنبه‌ی تشبیه دارد. اما از سوی دیگر، شباهت دلیل نیست. این صداهای طبیعی موسیقی را القا می‌کنند، ولی با این حال خودشان موسیقی نیستند. اگر با خیال این‌که به محض شنیدن این صداها به یک موسیقیدان و حتی موقتاً یک موسیقیدان خلاق تبدیل می‌شویم از این صداها لذت ببریم، باید اعتراف کنیم که خودمان را فریب داده‌ایم. آن‌ها نویدبخش موسیقی‌اند؛ محقق شدن‌شان نیازمند وجود یک انسان است: به‌طور قطع انسانی که به صداهای بسیار زیاد طبیعت حساس است، اما کسی که علاوه بر آن ضرورت نظم بخشیدن به این صداها را حس می‌کند و برای انجام این تکلیف از موهبت استعدادی ویژه نیز برخوردار است. در دستان او هر آنچه را که من غیر موسیقی قلمداد کردم موسیقی خواهد شد. از این امر نتیجه می‌گیرم که عناصر آهنگین فقط به‌واسطه‌ی سامانمند شدنشان تبدیل به موسیقی می‌شوند و این سامانمندی مستلزم یک عمل انسانی آگاهانه است. بنابراین من به وجود صداهای عناصر طبیعی، مواد خام موسیقی، آگاهم؛

## Shiraz-Beethoven.ir

### ۳- آهنگ‌سازی

ما در دورانی زندگی می‌کنیم که مقام و منزلت انسان دستخوش آشوب‌های شدیدی است. انسان مدرن به تدریج در کش از ارزش‌ها و همچنین توانایی‌اش در سنجیدن موقعیت‌ها را از دست می‌دهد. این ضعف در فهم حقایق اساسی بسیار جدی است. این مسئله بدون شک ما را به تخطی از قوانین بنیادی تعادل بشر سوق می‌دهد. عواقب این بدفهمی در حوزه‌ی موسیقی از این قرار است: از یک سو گرایشی وجود دارد که راه عقل را از آنچه من ریاضیات عالی موسیقی می‌خوانمش جدا می‌کند تا مقام موسیقی را به حد یک ابزار استفاده‌ی پست تنزل دهد، و با سازگار کردن موسیقی با مقتضیات یک سودگرایی ابتدایی آن را مبتذل کند، همان‌طور که به‌زودی در بررسی موسیقی شوروی خواهیم دید. از سوی دیگر، از آنجایی که خودِ عقل بیمار است، موسیقی زمان ما، بخصوص موسیقی‌ای که خودش را ناب می‌خواند و می‌داند، در درون خود علائم عیب و نقصی بیمارگونه را حمل کرده و میکرب‌های گناه ذاتی جدیدی را اشاعه می‌دهد. گناه ذاتی قدیمی عمدتاً گناه آگاهی بود؛ این گناه ذاتی جدید، اگر اجازه داشته باشم از این واژگان استفاده کنم، پیش از هر چیز گناه عدم‌تأیید و تصدیق است، امتناع از قبول حقیقت و قوانینی که از آن نشأت می‌گیرد، قوانینی که به آن‌ها بنیادی می‌گوییم. حال این حقیقت در حوزه‌ی موسیقی چیست؟ و تبعات آن بر فعالیت خلاق چیست؟

## Shiraz-Beethoven.ir

### ۵- پیشگامان موسیقی روسیه

چرا همیشه می‌شنویم که درباره‌ی موسیقی روس بیشتر با معیار روس بودنش صحبت می‌شود تا با معیار موسیقی؟ برای آن که بدیع بودن، ریتم‌های شگفت‌انگیز، رنگ‌های ارکستری، شرق‌گرایی و به‌طور خلاصه، صبغه‌ی محلی آن است که همواره مورد توجه واقع می‌شود؛ برای آن که مردم نسبت به هر چیزی که فضایی روسی، یا ظاهراً روسی، ایجاد کند علاقه نشان می‌دهند: ترویکا، بالالایکا، بویار، سماور، و حتی بلشویسم. چراکه بلشویسم ویژگی‌های مشابهی را از خود بروز می‌دهد که، به هر حال، پرآوازه‌اند و دقیقاً با مقتضیات این آیین و مسلک سازگاری دارند.

لطف کنید و به من اجازه دهید که روسیه را از دیدگاه دیگری مورد بررسی قرار دهم... هدف من صریحاً کمک به رفع یک کج‌فهمی قدیمی به‌منظور اصلاح برخی تحریف‌ها و پیچیدگی‌هاست. اگر مناسب دیده‌ام که یک جلسه از درس‌م را به موسیقی روسیه اختصاص دهم، به این دلیل نیست که شخصاً به‌واسطه‌ی اصل و نسبم علاقه‌ی ویژه‌ای به آن دارم؛ دلیلش عمدتاً این است که موسیقی روسیه، خصوصاً در پی گسترش‌ها و پیشرفت‌های اخیرش، همان نظریه‌های مهمی که مایلم به شما عرضه کنم را به شیوه‌ای خاص و بسیار قابل توجه شرح می‌دهد. بنابراین وقت کمتری را صرف بررسی دیدگاه تاریخی موسیقی روسیه کرده و بیشتر به آنچه پیشگامان

# Shiraz-Beethoven.ir

۶- اجرای موسیقی

---

# Shiraz-Beethoven.ir

و شنوایی، در این مورد، از طریق زبانی فصیح که وسیله‌ای برای بیان تصاویر و مفاهیم است مخاطب واقع می‌شود. بنابراین خواننده‌ی یک اثر نمایشی راحت‌تر می‌تواند تصور کند اجرا و عرضه‌ی واقعی اثر چگونه خواهد بود تا خواننده‌ی یک پارتیتور موسیقی که بخواهد تصور کند اجرای واقعی آن پارتیتور توسط سازها چگونه صدا خواهد داد. به‌سادگی می‌بینیم که چرا خوانندگان پارتیتورهای ارکستری بسیار کمتر از خوانندگان کتاب‌های مربوط به موسیقی هستند.

به‌علاوه زبان موسیقی کاملاً محدود به نت‌نویسی آن است. بنابراین یک هنرپیشه‌ی تئاتر در خصوص زمان موسیقایی و حالت صدا آزادی عمل بیشتری دارد تا یک خواننده که شدیداً به تمپو و ترانه مقید است.

این انقیاد، که اغلب اوقات برای خودنمایی برخی تک‌نواها بسیار مشکل‌آفرین است، درست در بطن مسئله‌ای قرار گرفته که اکنون می‌خواهیم به سراغش برویم: مسئله‌ی اجراکننده و اجراکننده‌ی تفسیرگر.

تفسیر کردن تلویحاً به محدودیت‌هایی اشاره دارد که بر نوازنده تحمیل می‌شود یا محدودیت‌هایی که خود نوازنده متناسب با نقشش، که همان انتقال موسیقی به شنونده است، بر خود تحمیل می‌کند.

اجرا کردن حاکی از به عمل درآوردن دقیق و مطلق یک خواست روشن و صریح است که فراتر از آنچه مشخصاً حکم شده چیز دیگری را دربر نمی‌گیرد. برخورد این دو قاعده، اجرا کردن و تفسیر کردن، است که منشأ تمام اشتباه‌ها، خطاها و کج‌فهمی‌هایی است که خودشان را بین یک اثر موسیقی و شنونده قرار داده و مانع انتقال درست پیغام می‌شوند.

هر تفسیرگر ضرورتاً یک اجراکننده نیز هست. برعکس این مطلب صحت ندارد. به‌جای حق تقدم، نظام توالی را دنبال می‌کنیم و ابتدا اجراکننده را بررسی می‌کنیم.